

سلسله مطالب در خصوص تخلفات انتظامی وکلای دادگستری و کار

آموزان وکالت (۱۶)

مقدمه و مطلب شانزدهم؛

۱- اگر وکیل جهت طولانی نمودن دادرسی به خدعه و نیرنگ توسل جوید و

همچنین عرضحال خود را ناقص تحویل دادگاه دهد. ۲- توسل وکیل به

معاذیری که خلاف بودن آنها بعداً " ثابت شود.

مقدمه:

از آنجا که وظیفه یک وکیل بسیار سنگین بوده و با توجه به معلومات وی قادر است

بسیاری از اعمال را مرتکب گردد به گونه ای که این اعمال باعث ضرر طرف مقابل

گردد و از خود جای پای نگذارد ، قانونگذار سعی در سخت گیری و جلوگیری از این

اعمال بوسیله وکیل داشته و به نحوی با تصویب این مواد به وکیل هشدار داده است

که هرگز از قسمی که یاد کرده دوری نکند. لذا بایسته و شایسته است که همکاران

همه تخلفات ذکر شده در قوانین را جدی گرفته و هرگز اعمال خود را در این گونه

تخلفات پوشش ندهد امیدوارم مرقومه این حقیر که بصورت سلسله مطالب تقدیم

عزیزان می گردد مورد استفاده و بهره برداری قرار گیرد و مفید حال دوستان و همکاران واقع شود.

مطلب شانزدهم:

۱- اگر وکیل جهت طولانی نمودن دادرسی به خدعه و نیرنگ توسل جوید و همچنین عرضحال خود را ناقص تحویل دادگاه دهد:

در خصوص این موضوع به صراحت قانونگذار در ماده ۳۸ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ اعلام می دارد، ((وکلا نباید بطور مستقیم یا غیر مستقیم برای رد قاضی یا حکم یا وکیل مدافع طرف یا به منظور تطویل محاکمه به وسیله خدعه آمیزی متوسل شوند، در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهند شد)).

ماده ۸۰ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ نیز بیان می دارد؛ در موارد ذیل متخلف به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم می شود:

بند ۹- در صورتیکه برای تطویل دادرسی به وسیله خدعه آمیز از قبیل رد دادرسی یا داور یا استعفا از وکالت و قبول مجدد متوسل شود.

اما اینکه بعضاً این اعمال را در حد تخلف از سوگند می دانند بیراهه نخواهد بود که اینچنین خطاب می کنند، چرا اینکه ماده ۳۹ آئین نامه لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری بصراحت متن سوگند نامه را آورده است؛ در سوگندی که وکلا یاد می

کنند قسم یاد می کنند که قوانین و نظامات را محترم شمرند - قسم یاد می کنند که جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته باشند - قسم یاد می کنند که بر خلاف شرافت و کالت اقدام یا اظهاری نکنند - قسم یاد می کنند که راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع حق باشند. حال شما تصور کنید که وکیلی با انجام این گونه اعمال قصد اطاله دادرسی را داشته باشد آیا نسبت به قسمی که یاد کرده پایبند بوده است؟!

اما مطلب مهم دیگر اینکه؛ مواردی را که در قانون و کالت و آئین نامه لایحه قانونی استقلال بدان اشاره شده حصری نبوده و تمثیلی است؛ استفاده از کلمه ((از قبیل)) نشان دهنده آن است که این موارد حصری نبوده، بلکه هرکاری را که وکیل انجام دهد و قصد وکیل فقط اطاله دادرسی باشد، موجبات شمول این قانون را خواهد داشت؛ مواردی است که در عمل هر وکیلی علم به آن دارد که می بایست وظیفه خود را درست انجام دهد؛ مثلاً "اگر وکیلی وکالتنامه خود را در مرحله تجدیدنظر خواهی ضم دادخواست تجدیدنظر خود ننماید و بدون ارائه وکالتنامه اقدام به تجدید نظر خواهی نماید و این امر باعث اطاله دادرسی خواهد بود چرا اینکه وکیل علم دارد که می بایست حتماً "وکالتنامه خود را ضمیمه نماید و در صورتیکه این عمل را انجام ندهد، این عمل از موارد اطاله دادرسی خواهد بود. یا موردی که وکیل هزینه دادرسی یا حق الوکاله مرحله تجدیدنظر را از موکل خود دریافت نموده باشد اما دادخواست تجدیدنظر خود را بدون ابطال تمبر هزینه دادرسی یا بدون ابطال تمبر

وکالتنامه تقدیم دادگاه می نماید تا مجدداً "بحث رفع نقص ایجاد شود، در این موقع نیز وکیل با علم باعث اطاله دادرسی شده است؛ ((در این قسمت حتماً توجه شود به اینکه وکیل اگر هزینه دادرسی یا هزینه تمبر وکالتنامه و حق الوکاله مرحله تجدیدنظر را از موکل خود دریافت نموده باشد و با وصف دریافت این مبالغ از ابطال تمبرهای یادشده امتناع نماید مشمول این ماده خواهد شد.))

ماده ۶ آئین نامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶ مقرر می دارد ((وکلائی عدلیه نباید به هیچ عنوان و عذری عرضحال که از حیث تمبر ناقص باشد به محاکم تقدیم دارند)) چرا اینکه این امر خود بیانگر قصد وکیل در اطاله دادرسی خواهد بود و هم می توان این عمل وکیل را مشمول ماده ۳۸ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ و بند ۹ ماده ۸۰ آئین نامه لایحه استقلال قانون وکلا مصوب ۱۳۳۴ دانست و همچنین با وکیل متخلف می توان مطابق بند ۱ مطابق ۸۰ ((اعمال خلاف شان)) برخورد نمود. ماده به صراحت ((هیچ عنوان و عذری)) را نمی پذیرد اما رویه اکنون زمانی که موکل هزینه های مرحله را پرداخت ننموده به نوعی دیگر و وکیل حق دارد، دادخواست مرحله ای که وکالت دارد اما هزینه آنرا دریافت ننموده، بدون تمبر دادخواست خود را ثبت دادگاه نماید تا برای موکل حق اعتراض ایجاد نگردد. و عملاً "موکل است که به ضرر خود عمل نموده است."

اما مواردی دیگر هست که وکیل با وصف علم به بی حقی موکل خود چون قانون این اختیار را به وی داده است از آنها استفاده می کنند همانند دادن دادخواست اعسار با

تردید به اینکه موکل توانایی مالی دارد ، چرا اینکه تشخیص این امر به عهده قاضی است و وکیل قادر به تشخیص این موضوع نیست و حتی پس از صدور رای عدم اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مجدداً وکیل حق دارد نسبت به رای صادره تجدیدنظر خواهی نماید با شک و تردید براینکه موکل وی توانایی پرداخت هزینه دادرسی محکوم به را دارد اما حق خود می داند که از ((اطاله ای که قانون برایش در نظر گرفته)) استفاده نماید .

۲- توسل وکیل به معاذیری که خلاف بودن آنها بعداً ثابت شود:

معاذیری که جمع عذر است همان معاذیر موجه ای است که وکیل در راستای وظایف وکالتی خود قادر است از آنها بهره بگیرد اما این معاذیر می بایست درست و راست بوده باشد چرا اینکه قانونگذار در ماده ۸۲ آئین نامه لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری اعلام می دارد متخلف از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه ۶ محکوم خواهند شد. بند ۴- در صورتی که خلاف عذری که برای حضور به دادگاه یا سایر مراجع یا دادسرا یا دادگاه انتظامی وکلای دادگستری اعلام کرده ثابت شود.

با وصف بر اینکه مطابق رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری مجازات درجه های ۵ و ۶ از آئین نامه ابطال گردیده است اما دادسرا و دادگاه انتظامی کانون قادرند مطابق قانون وکالت متخلف را به درجه ۶ مجازات نمایند . و دلیل اینکه قانونگذار این

مجازات را برای وکیل متخلف در نظر گرفته همانا ((عدم رعایت راستی و درستی وکیل)) و اضرار به دادگاه و طرف مقابل و حتی موکل بوده است .

جهات عذر موجه وفق ماده ۴۱ قانون آئین دادرسی مدنی ؛ ۱- فوت یکی از بستگان نسبی یا سببی تا درجه اول از طبقه دوم ۲- ابتلاء به مرضی که مانع از حرکت بوده یا حرکت، مضر تشخیص داده شود. ۳- حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله که مانع از حضور در دادگاه شود ۴- وقایع خارج از اختیار وکیل که مانع از حضور وی در دادگاه شود. وکیل معذور موظف است عذر خود را به طور کتبی با دلایل آن برای جلسه محاکمه به دادگاه ارسال دارد. دادگاه در صورتی به آن ترتیب اثر می دهد که عذر او را موجه بداند . در غیر اینصورت جریان محاکمه را ادامه داده و مراتب را به مرجع صلاحیتدار برای تعقیب انتظامی وکیل اطلاع خواهد داد. در صورتی که جلسه دادگاه به علت عذر وکیل تجدیدشود ، دادگاه باید علت آن و وقت رسیدگی بعدی را به موکل اطلاع دهد . در این صورت جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل تجدیدنخواهد شد.))

ماده ۲۷ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ به صراحت اعلام می دارد؛ وکلاء مکلفند در موقع محاکمه حاضر شوند مگر اینکه عذر موجهی از قبیل فوت یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم و یا ابتلا به مرضی که مانع از حرکت و یا اینکه حرکت جهت او مضر تشخیص شود و همچنین در موقعی که حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله و غیره از حرکت آنها داشته باشد . اطلاع وکیل به محکمه در باب

عذری که برای عدم حضور او پیدا شده معتبر است مگر آنکه خلافش اثبات شود در این صورت وکیل به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم خواهد شد.

لذا ماده فوق مجازات شخص متخلف از بحث ثبوت خلاف معاذیر نیست بلکه وکیلی که در محاکمه حاضر نشده و دلیل وی نیز کافی نبوده، مجازات وی را مطابق این ماده درجه ۴ انتظامی در نظر گرفته است که قبلاً" به این موضع در سلسله مطالب شماره ۴ پرداخته بودیم که در خصوص عدم حضور وکیل در محاکمه در وقت رسیدگی با مواد مختلفی روبه رو بوده اعم از ماده ۲۷ قانون وکالت بند ۴ ماده ۷۹ و ماده ۷۷ آئین لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و ماده ۳۹ قانون فوق و النهایه بند ۳ از ماده ۸۱ آئین نامه که حتی دادگاه انتظامی کانون قادر است با شخص متخلف مطابق این قانون بعنوان متخلف از سوگند نیز برخورد نماید که البته رویه حاکم بر دادسرا در برخورد فعلی اعمال بند ۴ از ماده ۷۹ آئین نامه است.

اما در خصوص موضوع بحث اینکه وکیل عذر موجه ای را بکار ببرد بعد خلاف آن ثابت شود قانونگذار مجازات شدیدی را برای آن در نظر گرفته است حتی مجازات آن از مجازات تخلف از سوگند نیز بیشتر است.

ماده ۵۰ قانون وکالت مرتبط به موضوع: در صورتی که حضور وکیل برای رسیدگی مقدماتی انتظامی و یا محاکمه انتظامی لازم و احضار شده و بدون عذر موجه حاضر

نگردیده یا در موعد مناسبی که برای او معین شده جواب کتبی استیضاح را ندهد، وزارت عدلیه می تواند او را موقتا" تا خاتمه رسیدگی از وکالت معلق نماید.

ماده ۶۳ آئین نامه لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری، در صورتیکه دادستان حضور مشتکی عنه را برای اداء توضیحات و کشف حقیقت لازم بداند و او را احضار نماید و بدون عذر موجه حاضر نشود ممکن است عدم حضور قرینه صدق نسبتی که به او داده شده تلقی شود.

تبصره: عذر موجه همان است که در قانون وکالت و آئین دادرسی مقرر است و باید کتبا" به ضمیمه دلیل آن در موقع معین برای رسیدگی به متصدی تحقیقات داده شود. (البته این ماده مطابق رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردیده است.)

هردوماده نشان دهنده آن است که ((عذر موجه)) چقدر می تواند اهمیت داشته باشد و قانونگذار به معاذیر موجه یک وکیل دادگستری احترام گذارده است و در

مقابل تصویب ماده ۸۲ و بند ۴ ماده ۸۲ آئین نامه لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری پاسخی است که به وکیل متخلف از این امر می دهد.

در پایان به صراحت اعلام می گردد نظرات اعلامی در این قسمت از سلسله مطالب تقدیم عزیزان شده نظرات شخصی این حقی بوده و نظرات دادرسی انتظامی محسوب نمی گردد.

عبدالله سمایی
وکیل پایه یک دادگستری
دادیار دادرسی انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز